



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Artistic use of medical terms in Khaghani Divan

S. Rajaei, R. Rezaei*, Hossein Parsaei

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 26 August 2021

Reviewed: 28 September 2021

Revised: 10 October 2021

Accepted: 24 November 2021

KEYWORDS

medical knowledge, drugs, diseases, Khaghani, poetry collection, expression arrays, novel industries.

*Corresponding Author

✉ dr.rezaei4056@gmail.com

☎ (+98 11) 42155025

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Using the terms of different sciences and knowledge in inventing themes and creating imaginary is one of the methods of poets in expressing opinions and explaining mental ideas. One of these sciences is medicine, which has found a special place in literature, and Azerbaijani style poets, especially Khaghani, have written many poems related to this science. He has spoken on the occasion of patients, medicines and treatments that without knowledge of medicine and medical knowledge terms, it becomes difficult and complicated to understand his poems. The purpose of this study is to find out the poet's use of words and terms of this knowledge and its artistic applications in the court of Khaghani Shervani and also to be aware of the poet's goals in using this knowledge.

METHODOLOGY: The present study has been done by descriptive-analytical method and using library studies to research medical terms in Khaghani Divan and many diagrams have been drawn.

FINDINGS: In Khaghani Divan, various medical information including types of diseases, types of drugs and treatments, medical supplies, occupations and even beliefs related to it have been discussed. Khaghani using a variety of expressive arrays (similes, metaphors, allusions and metaphors) and rhetorical industries, both verbal (repetition, types of puns, puns, conjugations) and spiritual (ambiguity, good reasoning, contradiction, discernment, obscurity, observance) For example (appropriateness), question and answer, equation style, paradox, etc.), he has made his poetic images more artistic. Khaghani has also pursued various purposes in using these terms, the most important of which are the reflection of his medical knowledge to the audience, the description of the beloved, the praise of praise, the condemnation of enemies and opponents, the condemnation of the heavens, the description of nature and the lament of the child.

CONCLUSION: The results show that Khaghani had extensive knowledge in medicine and was aware of the diseases and illnesses of his time. He was familiar with the properties of various drugs and their effect on the treatment of patients as well as the treatment of diseases; Therefore, without knowing it, understanding his poems is difficult and difficult for the audience who are unaware of this knowledge. The poet Shervan has been more successful in his descriptions by using this knowledge creatively and adorning it with various expressive and original crafts, and by doing so, he has proved his skill and mastery.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.6471](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.6471)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 0	 4

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

کاربرد هنری دانش پزشکی در دیوان خاقانی

سهیلا رجایی، رقیه رضایی*، حسین پارسایی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: استفاده از اصطلاحات علوم و دانشهای مختلف در ابداع مضامین و آفرینش صور خیال یکی از شیوه‌های شاعران در بیان آراء و تبیین اندیشه‌های ذهنی است. یکی از این علوم، پزشکی است که در ادبیات نمود خاصی پیدا کرده است و شاعران سبک آذربایجانی بویژه خاقانی اشعار فراوانی در ارتباط با این دانش سروده‌اند. وی به مناسبت از بیماریها، داروها و درمانها سخن گفته که بدون آگاهی از طب و اصطلاحات دانش پزشکی فهم سروده‌های وی دشوار و پیچیده میشود. هدف از انجام این پژوهش پی بردن به میزان استفاده از کلمات و اصطلاحات این دانش و کاربردهای هنری آن در دیوان خاقانی شروانی و نیز آگاهی از اهداف شاعر از بکار بردن این دانش است.

روش مطالعه: جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به تحقیق درباره اصطلاحات پزشکی در دیوان خاقانی پرداخته و نمودار فراوانی نیز رسم شده است. **یافته‌ها:** در دیوان خاقانی انواع اطلاعات پزشکی اعم از انواع بیماریها، داروها و درمانها، لوازم پزشکی، مشاغل و حتی باورهای مرتبط با آن سخن بمیان آمده است. خاقانی با استفاده از انواع آرایه‌های بیانی (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) و صنایع بدیعی، چه لفظی (تکرار، انواع جناس، جناس، تصدیر) و چه معنوی (ایهام، حسن تعلیل، تضاد، تشخیص، لف و نشر، مراعات نظیر (تناسب)، اسلوب معادله، پارادوکس و ...) تصاویر شعری خود را هنریتز ساخته است. همچنین خاقانی از بکار بردن این اصطلاحات اهداف گوناگونی را دنبال کرده است که انعکاس اطلاعات دانش پزشکی خود به مخاطب، توصیف معشوق، مدح، نکوهش دشمنان و مخالفان، نکوهش فلک، توصیف طبیعت و مرثیه فرزند مهمترین این اهداف بشمار می‌آید.

نتیجه‌گیری: خاقانی در دانش طب و پزشکی اطلاعات وسیعی داشته و از امراض و بیماریهای عهد خود آگاهی داشته است. او با خواص انواع داروها و تأثیر آنها در درمان بیماران و نیز شیوه درمان بیماریها آشنا بوده است؛ بنابراین بدون آگاهی از آن درک و فهم اشعارش برای مخاطبانی که از این دانش بی‌اطلاعند دشوار و دیرپاب خواهد شد. شاعر شروانی با بکارگیری مبتکرانه و خلاقانه این دانش و آراستن آن با انواع صناعات بیانی و بدیعی، در توصیفات خود موفقیت بیشتری یافته و با این کار مهارت و استادی خود را به اثبات رسانده است.

تاریخ دریافت: ۰۴ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۶ مهر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۸ مهر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۳ آذر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

دانش پزشکی، داروها، بیماریها، خاقانی، دیوان اشعار، آرایه‌های بیانی، صنایع بدیعی.

* نویسنده مسئول:

✉ dr.rezaei4056@gmail.com

☎ ۴۲۱۵۵۰۲۵ (۱۱ ۹۸+)

مقدمه

پزشکی و شناخت داروها از گذشته‌های دور، از دانشهای رایج در ایران بوده است؛ بنابراین انعکاس واژگان و اصطلاحات این دانش در درخشانترین آینه فرهنگی ایران یعنی ادبیات منظوم و منثور، جای شگفتی نیست و ادبا بویژه شاعران از این دانش در سروده‌های خود بهره برده‌اند و از اصطلاحات و مفاهیم مربوط به آن در آفرینش و خلق مضامین و صور خیال استفاده نموده‌اند؛ تا آنجا که اشاره به دانش پزشکی بعنوان یکی از ویژگیهای سبکی اشعار سده ششم بشمار می‌آید.

خاقانی، شاعر قصیده‌سرای قرن ششم و پیرو سبک آذربایجانی، از جمله شاعرانی است که از این دانش به فراوانی در اشعارش یاد کرده و اطلاعات گسترده‌ای درباره آن فراوری خوانندگان قرار داده است. عمو و پسرعموی وی به طبابت اشتغال داشته‌اند.

وز	سوی	عمم	طیب	گوهر	عقلم	که	هزار	بحر	صاف	است
موسی	سرخم	نه	کوه‌آوا	بقراط	سخن	به	هفت	کشور	داروی	شناس
داروی	شناس	کوه	قاف	است	عیسی	نفسم	نه	آسی	آسا	

(دیوان خاقانی: ص ۲۱۳)

کندلی هریسچی در کتاب *خاقانی شروانی، حیات، زمان و محیط او* به این امر اشاره میکند که کافی‌الدین، عیسی نفس بود و در شماخی حکیمخانه داشته (خاقانی شروانی، حیات، زمان و محیط او، کندلی هریسچی: ص ۱۵۸ و ۱۶۴) و پسرعموی وی وحیدالدین هم طبیب، جراح و دواساز حاذقی بود و او هم در شماخی حکیمخانه‌ای داشته است (همان: ص ۱۷۶). در این پژوهش سعی نگارندگان بر این است که اطلاعات جامعی درباره دانش پزشکی در دیوان خاقانی به خوانندگان ارائه دهند؛ بهمین دلیل دانش پزشکی در دیوان خاقانی، در سه بخش اصلی زیر بررسی میشود:

۱) لغات و اصطلاحات دانش پزشکی؛ ۲) کاربرد هنری اصطلاحات پزشکی؛ ۳) هدف خاقانی از بکار بردن این دانش.

روش مطالعه

نوع پژوهش حاضر نظری، براساس مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه آن توصیفی-تحلیلی است. مراحل انجام مقاله بدین صورت است که پس از استخراج و دسته‌بندی ابیات مرتبط به دانش طب و پزشکی، به کاربرد هنری اصطلاحات پزشکی و هدف خاقانی از سرودن آنها پرداخته میشود. در نهایت نمودار فراوانی لغات و اصطلاحات دانش پزشکی و نیز نمودار فراوانی مربوط به آرایه‌های بیانی و بدیعی ترسیم میگردد. جامعه آماری در این پژوهش کل دیوان خاقانی به اهتمام ضیاءالدین سجادی است.

سابقه پژوهش

مهمترین تلاش در زمینه طب و طبابت در ادبیات، کتاب «فرهنگ اصطلاحات طبّی در ادب فارسی» تألیف علی‌اکبر باقری‌خلیلی است که نگارنده در آن به بیماری، دارو و درمان، سه محور اصلی در دانش پزشکی پرداخته است. همچنین کتاب «پنجنوش سلامت» از عباس ماهیار است که در آن بصورت تخصصی راجع به مبحث طب و پزشکی در اشعار خاقانی صحبت شده است. همچنین مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شده است. یکی از آنها مقاله «بازتاب گیاهان دارویی در دیوان خاقانی» نوشته مدرّسی و فتّاحی قاضی (۱۳۸۹) است. نگارندگان برای رسیدن به این

هدف که نیاکان ما تا چه اندازه به طبیعت و درونمایه‌های آن -درختان و گلها و گیاهان- توجه نموده‌اند، گیاهان دارویی را در دیوان خاقانی بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که خاقانی نیز به علوم و فنون زمان خود آگاهی کامل داشته است. مهدوی‌فر (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «پژوهشی در داروهای حیوانی دیوان خاقانی» پس از بررسی داروهای حیوانی در دیوان این شاعر، دریافته که شگرد خاص خاقانی و ظرافت برجسته‌ای که او در بکارگیری این مواد خام بکار برده، سبب شده است تا بسیاری از مضامین و تعبیر او از تازگی خاصی برخوردار باشد، بدانسان که جز با دقت و تأمل بسیار شناخته نشوند. باقری‌خلیلی (۱۳۸۶) در مقاله «دربارۀ سه اصطلاح طبّی در قصاید خاقانی»، سه بیماری آبله، استسقا و سرسام را شرح و توضیح داده و معانی اصطلاحی و جایگاه ادبی آنها را بررسی نموده و تلاش کرده ابهامات ادبی پدیدآمده با تصاویر طبّی را حل کند. میرحسینی و کیلی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «کاربرد اصطلاحات پزشکی بعنوان ویژگی سبکی در اشعار اجتماعی سیاسی ادیب‌الممالک فراهانی»، پس از بررسی اصطلاحات دانش پزشکی در دیوان این شاعر دریافتند که ادیب‌الممالک فراهانی در پرداخت این مفاهیم، بیشتر به جنبه‌های ادبی و هنری آن توجه داشته و آنها را در جهت اهداف مشخصی از جمله هجو، شکوه و مدح بکار گرفته است.

بحث و بررسی

طب: واژه طب مصدر است به معنی علاج کردن جسم و نفس (لغتنامه، دهخدا: ذیل واژه) و آن علم به قوانینی است که با کمک آن چگونگی بدن انسان از لحاظ تندرستی یا عدم آن، بجهت حفظ سلامت شناخته میشود (کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تهنوی: ج ۱/ صص ۲۵-۲۶). طب سنتی دانشی است که در مورد بدن آدمی، طبایع مختلف، مزاجهای گوناگون، اثر داروهای گیاهی با مزاجهای مختلف صحبت میکند (کلید ورود به طب قدیم، خدادادی: ص ۲۵). این علم که به لطف قریحه بقراط ابداع شده و از همت بلند پاستور به درجه کمال رسیده، اشرف علوم این جهانی و ستون خیمه زندگانی است (پزشکی‌نامه، نفیسی: ص ۱). در ایران و هند و یونان و روم و آشور و کلد و مصر و تمام دنیای متمدن قدیم مردم از طب اطلاعاتی داشتند و گاهی بصورت موبد و گاهی بصورت کاهن و ... به طبابت میپرداختند (تحفه حکیم مؤمن، حسینی: ص ۲). در قدیم گروهی علت بیماری را وارد شدن روح خبیث در بدن بیمار تصور میکردند و بهمین جهت بیمار را آنقدر کتک میزدند که روح خبیث بیرون رود و بیشتر اوقات روح مریض با روح خبیث با هم خارج میشدند (تاریخ تمدن و فرهنگ در ایران از اسلام تا صفویه، تاجبخش: ص ۹۳). گذشتگان از حرز و تعویذ و طلسم برای پیشگیری یا مداوای بیمار بیش از دارو و شربت استفاده میکردند؛ زیرا معتقد بودند برای ازبین بردن شیاطینی که سبب بیماری میشوند باید افسون و اوراد خواند و برای علاج بیماری به کاهنان و جادوگران مراجعه میکردند نه به طبیب. بقراط طب را از خرافات و سحر و جادو بیرون آورد و ثابت کرد که مریض بدون مداوا و درمان بهبود نمییابد و برای طبیب، مسائل اخلاقی و وظایف وجدانی معین نمود.

طب و طبابت در ایران: در کشور ما نیز طب و طبابت ادوار مختلفی داشته است. طب قبل از اسلام در ایران، از یونانیان نیز اقتباس گردیده است. دوران هخامنشی از ادوار درخشنده طب در ایران بوده است. در کتب مذهبی زرتشتی، از طب و پزشکی و بهداشت، بخصوص بهداشت بسیار سخن گفته شده است. مایه طب دوران هخامنشی به ساسانیان انتقال یافت، منتهی بر اثر اختلافات مذهبی که در امپراتوری روم شرقی بین امپراتوران و علما و پزشکان پیدا شد، دوره جدیدی در طب ایران و در نتیجه آن در طب اسلامی هویدا شد. دانشمندان روم شرقی به ممالک مجاور بخصوص ایران مهاجرت کرده و با کمک پزشکان ایرانی و پادشاهان ساسانی بویژه شاپور اول و دوم

و انوشیروان، به کسب فضل و دانش پرداختند و مدارس طب جندی شاپور و بیمارستان تأسیس شد و این دوره از درخشنده‌ترین ادوار تمدن ایرانی و از منابع مهمّ طبّ اسلامی میباشد. در دوران انوشیروان «کنگرهٔ پزشکی» تأسیس شد که در عالم طب کم‌نظیر بود. تمام میراث ساسانیان و یونانیان به مسلمانان واگذار شد و به برکت تعلیم اسلامی که دربارهٔ خیرات و طلب علم تأکیدات بسیاری کرده، مسلمین به خدمات بزرگی در طب و ترجمه و تألیف و تصنیف کتب طبّی توفیق یافتند (تحفهٔ حکیم مؤمن، حسینی: ص ۲).

طب در دیوان خاقانی

دانش پزشکی در دیوان خاقانی به بخشهای زیر تقسیم میشود:

(۱) اصطلاحات عمومی؛ (۲) بیماریها؛ (۳) داروها؛ (۴) ابزار پزشکی؛ (۵) باورهای طبی؛ (۵) مشاغل که به هریک از این موارد در دیوان خاقانی اشاره میشود، ضمن اینکه درصد کاربرد هر مورد نیز ذکر میگردد.

اصطلاحات عمومی: در دیوان خاقانی با کلمات و اصطلاحاتی برخورد میکنیم که در دانش پزشکی، عمومی هستند. بسامد این اصطلاحات در دیوان خاقانی ۸/۳ درصد بوده است. مانند: درد^۱ (۳۲، ۷۴، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۴۴، ۵۷۰ و ...)، بیماری (۲۲، ۱۳۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۳۸۷، ۳۹۵، ۴۱۳)، بیمار^۲ (۷۷، ۳۴۸، ۴۰۷، ۴۱۲، ۹۲۰)، درمان (۱۶۳)، ۳۴۴، ۳۶۳، ۳۷۲، ۶۸۶)، دوا (۷۴۶)، دارو (۱۱۷، ۳۶۵، ۳۹۰، ۴۰۷، ۹۰۸)، تصعید (۳۸۴)، خشک رگ (۴۲۷)، تسکین درد (۷۸۰)، داروخانه و داروکده (۱۶۲، ۳۶۱)، عافیت (۷۹۰، ۸۰۰)، علّت (۴۱۲، ۴۱۳، ۹۱۱)، مداوا (۷۸۹)، مرض (۱۷۵، ۴۱۲، ۷۴۶).

بیماریها: بیماری به معنی مرض، ناخوشی، رنجوری و ناتندرستی (فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطب)، نفیسی: ذیل واژه) و آن انحراف مزاج بر اثر تغییر وضع ساختمان یا عمل انساج است (لغتنامه، دهخدا: ذیل واژه). در دیوان خاقانی با انواع بیماریها برخورد میکنیم، بیماریهای جسمی، پوستی، عفونی، روحی و روانی که به این بیماریها به ترتیب حروف الفبا و با ذکر صفحات و بسامد کاربرد آنها اشاره میشود: آبستنی و حاملگی (۲۰، ۲۱۵)، آبله (۱۶۵، ۱۹۰) که گاه در معنی تبخال بکار رفته است (ر.ک: ۱۵۸، ۳۵۸، ۵۳۲، ۶۲۸، ۶۵۴، ۷۰۲، ۷۴۰ و ۷۸۴)، ابرص (۱۴)، ۱۹۴)، احوال (۶۳، ۵۱۷)، اختلاج (۳۳۵)، استسقا (۱۰، ۵۴، ۳۸۲، ۴۱۴، ۷۹۹)، اصلع^۳ (۳۷۸، ۸۹۲)، اعور^۴ (۶۳)، إمتلا (۲۳۵، ۴۲۰)، أم صبیان (۹۵، ۹۰۷)، باد فتق (۵۴)، بحران (۳۶۶، ۴۳۳)، برص (۶۲، ۳۰۳)، بواسیر (۵۴)، بهق (۴۲۳)، پیس (۱۸، ۱۷۴)، تب^۵ (۶۷، ۶۸، ۱۲۹، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۰۲، ۲۳۳، ۲۳۳ و ...)، تبخال^۶ (۲۶۵، ۲۹۲، ۵۳۲ و ۷۱۷ و ...)، تب ربع (۱۵۶، ۱۸۱، ۳۲۰)، تبلرز و تبلرزه^۷ (۲۲۸، ۷۱۳، ۸۵۲ و ...)، تم^۸ (۲۸۵، ۲۶۲، ۲۷۸ و

۱. درد و ترکیبات آن ۱۴ بار در دیوان بکار رفته است.

۲. بیمار ۱۷ بار در دیوان خاقانی دیده شده است.

۳. کسی که موهای جلو سرش ریخته باشد (فرهنگ نفیسی، نفیسی: ذیل واژه).

۴. شخص یک‌چشم (غیاث‌اللغات، رامپوری: ذیل واژه).

۵. این واژه ۸۱ بار بکار رفته است.

۶. این واژه ۱۱ بار بکار رفته است.

۷. این واژه ۹ بار در دیوان خاقانی بکار رفته است.

۸. تم که در عربی بدان غشاه گویند آفتی است که مانند پرده در چشم پیدا شود (برهان قاطع: ذیل واژه).

۸۱۹)، جذام (۱۴۶، ۳۰۳، ۴۲۹)، جوع‌الکلب^۱ (۱۰، ۳۹۶)، چشم‌درد (۶۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۳۵۴، ۷۶۵، ۷۹۵)، خفقان (۱۸۱، ۲۳۵، ۴۲۲)، خناق (۴۹۵)، درد سر^۲ (۴۳، ۱۱۷، ۳۵۸، ۴۲۶، ۵۱۰ و ...)، دق (۱۳۶، ۱۹۲، ۲۳۰، ۲۶۳، ۲۶۶، ۴۱۴، ۵۰۹، ۸۳۳)، رعاف^۳ (۲۶)، روزکور (۱۸، ۱۹۹، ۲۰۶)، زحیر (۴۳۰)، زکام (۲۴۰، ۳۰۳، ۴۴۹، ۶۷۹، ۷۷۶، ۷۷۹)، سرسام^۴ (۱۴، ۱۰۸، ۱۳۱، ۳۲۹، ۳۳۸ و ...)، سرفه^۵ (۱۱۰، ۱۳۵، ۲۰۶، ۴۵۸ و ...)، سل (۴۱۸)، سودازده (۲۸۲)، صداع (۸۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۵۵۳، ۸۴۲ و ۹۰۸)، صرع^۶ (۳۱، ۲۱۱، ۲۲۲، ۴۳۰)، صفرائی و صفرازده (۳۸۰، ۳۸۲)، ضیق‌النفس (۳۹۶)، طاعون (۱۴۰، ۱۹۰، ۳۹۱، ۴۳۶)، فواق^۷ (=سکسکه) (۱۲۳، ۲۲۵، ۴۰۸ و ...)، قولنجی (۲۲۷، ۴۰۵)، گر آمدن^۸ (۵۴۵)، گرگ‌گزیده (۵۶، ۳۳۶)، ماخولیا (مالیخولیا) (۲۶۶)، جذام (۱۹۴)، محرور (=گرم‌زده و تب‌زده) (۲۱، ۱۰۸، ۲۳۶)، مفلوج (۸۰)، ناخنه چشم (۸، ۱۷۳، ۵۳۲، ۸۳۱)، نفرس (۸۰، ۸۹۲)، ویا^۹ (۲۲، ۳۰، ۳۸، ۷۹، ۱۴۰ و ...)، ورم (۲۶۳، ۸۱۹)، هیضه (۱۵)، یرقان^{۱۰} (۱۱۹، ۱۸۱، ۲۶۳، ۳۹۵ و ...)، بیماریها در دیوان شاعر شروان ۲۸۶ بار، برابر با ۳۷/۶ درصد بکار رفته است.

داروها: دارو یا دوا چیزی است که طبیب برای معالجه بیمار تجویز کند از خوردنی یا نوشیدنی یا مالیدنی و یا هرچه با آن ددی را درمان کنند (لغتنامه، دهخدا: ذیل واژه). در دیوان خاقانی با انواع داروها برخورد میکنیم. تقریباً ۳۷۲ مورد برابر با ۴۸/۹ درصد به انواع داروها اشاره شده است. داروهای گیاهی، قرصها، داروهای حیوانی، معدنی، ترکیبی، ضمادها، زهرها و پادزهرها و مواد معطر که در ذیل به هر مورد به ترتیب الفبا و با ذکر شماره صفحات و بسامد کاربرد آنها اشاره میشود:

داروهای گیاهی: بسیاری از گیاهانی که در طبیعت رویده‌اند، دارای خواص درمانی بوده و از گذشته‌های دور مورد توجه بشر قرار گرفته‌اند. در طب سنتی ایران و جهان، گیاهان بزرگترین منبع درمانی بوده‌اند. داروهای گیاهی در دیوان خاقانی فراوان بکار رفته است. تعداد موارد اشاره‌شده به این نوع داروها حدود ۱۴۹ مورد، برابر با ۴۰/۱ درصد است. این داروها عبارتند از: افیون (۳۲، ۵۲، ۵۱۳)، بادام (۵۵، ۷۴)، بادیان (۷۶۹)، باقلا (۳۵۷)، بان (۱۰۶)، بذر قطونا (۷۲۰)، بلاذر (۲۲۰)، بنفشه (۷۴، ۶۱۷)، بنگ (۹۱۴)، بوزیدان (۹۱۵)، بهمن (۲۰۴، ۳۱۹)، پلپل (۴۶۲)، ۵۳۲)، پلنگ مشک (۳۵۵، ۷۹۷، ۸۶۷)، تابشیر (طباشیر) (۳۱۲، ۳۳۰، ۳۲۵)، تخم پرپهن (۵۰)، تخم ریحان (۷۹۴)، ترنگبین (۲۳۳)، تفاح (سیب) (۱۳۱، ۸۹۵)، جلاب (=گلاب) (۵۱، ۵۷، ۶۷، ۲۷۹، ۲۸۴، ۳۶۹، ۴۰۶)، جوآب (=ماء‌الشعیر) (۵۷، ۱۶۶، ۳۱۳، ۳۲۹)، حاشا (۳۱۹)، حصرم (=غوره) (۱۸، ۹۲)، درمنه (۲۲، ۳۰، ۲۳۱)، دهن (روغن) البلسان (۳۱۹، ۳۵۵، ۸۹۳)، رمان (=انار) (۹۲، ۱۹۶)، زعفران^{۱۱} (۳۵، ۸۵، ۲۴۰، ۳۱۳ و ...) سپستان (۹۲)، سداب (۴۲، ۴۷، ۵۶، ۳۲۹، ۴۳۹، ۸۹۳)، سرکه (۱۹۹، ۳۵۶، ۵۵۲)، سنبل (۳۲۴، ۳۹۵، ۷۹۳)، سیر (۴۱۹، ۸۴۹)،

۱. کسی که چون سگ همیشه اشتهای غذا خوردن دارد و هرگز سیر نمیشود (هدایه‌المتعلمین فی طب: ص ۳۷۰).

۲. درد سر و سردرد ۱۴ بار در دیوان خاقانی بکار رفته است.

۳. خون‌دماغ.

۴. این واژه ۱۸ بار در دیوان خاقانی بکار رفته است.

۵. سرفه ۷ بار در دیوان بکار رفته است.

۶. ۱۹ بار در دیوان خاقانی بکار رفته است.

۷. بسامد این واژه ۸ است.

۸. بیماری مربوط به پلک چشم.

۹. این بیماری ۱۱ بار در دیوان ذکر شده است.

۱۰. ۷ بار در دیوان بکار رفته است.

۱۱. زعفران ۱۱ بار در دیوان خاقانی بکار رفته است.

شربت (۱۱۷، ۱۱۸، ۱۷۹، ۲۴۴، ۲۸۴، ۷۹۴، ۸۰۷، ۸۲۲، ۹۳۴)، شکر و نیشکر (۷۴، ۸۵، ۲۳۳، ۵۵۹، ۴۲۷ و ۹۳۴)، عناب (۵۵، ۵۷، ۶۰۰)، عنب (=انگور) (۱۸، ۲۰)، قطران (۲۶۴، ۴۱۵)، کافور (۱۰۷، ۱۰۸)، کرفس (۸)، کندرو (=کندر) (۵۵)، گزانگبین (۷۹۷)، گشنیز (۱۰۶، ۲۱۲، ۷۶۹)، گل (۴۹۸، ۶۲۸، ۸۶۰)، گندنا (۸۸، ۴۱۹)، لادن (۲۴۱)، لسان‌الحمل (=زبان بره) (۳۵۶)، لور (=آب پنیر) (۳۶۸)، مازو (۵۳)، مصطکی (۵۵)، معصر (۲۲۲)، ۳۳۹)، هلیله (۱۱). این داروهای گیاهی گل، بذر و میوه، تخم، پیاز، ریشه گیاهان و حتی شیر و عصاره گیاهان و میوه‌ها را نیز دربر میگیرد. گاه درمان از طریق پوست یا چوب درختان صورت میگیرد (ر.ک: ۹۵، ۱۱۷، ۲۲۱، ۲۹۴ و ...). که به این مورد ۱۱ بار در دیوان خاقانی اشاره شده است. گاهی گیاهان دارویی بصورت جوشانده استعمال میشد که در دیوان خاقانی این مورد، ۲۱ بار دیده شده است.

قرصها: ماده دارویی جامد قالبی در وزن‌ها و اندازه‌های مختلف (فرهنگ معین، معین: ذیل واژه) را قرص گویند. قرصها از موارد بسیار کم‌کاربرد انواع داروها هستند که در دیوان خاقانی به تعداد ۴ مورد، معادل ۱/۱ درصد اشاره شده است که این داروها قرص ریوند (۹۷)، قرص کافور (۲۱، ۲۱۴)، قرص مار (۱۸۰) هستند.

داروهای حیوانی: گاه داروها منشأ حیوانی دارند. داروهای حیوانی بکاررفته در دیوان خاقانی موارد ذیل هستند که بسامد کاربرد آنها ۴/۱ درصد است. پشک (=فضله) مگس (۵۴، ۳۲۷)، جراد (۵۴)، خرچنگ (=سرطان) و معجون سرطانی (۲۷۷، ۳۹۰، ۳۹۵)، سقنقور (=ریگ ماهی) (۱۱۵)، گوزن (۱۹، ۲۷۷)، مرجان (۱۹۲، ۷۴۴)، مروارید (۴۹۱)، مهره مار (۸۲، ۷۹۱، ۸۰۰).

داروهای معدنی (کانی): داروهایی را گویند که از مواد معدنی تهیه شده‌اند. این داروها که فراوانی آنها در دیوان شاعر ۱۶/۳ درصد است عبارتند از: توتیا (۱۸، ۲۰، ۳۸، ۲۸۸، ۳۸۶، ۷۶۵، ۷۷۱، ۷۹۵)، زر (۱۱۶، ۱۹۲، ۲۵۵)، زرنیخ (۱۱۵، ۱۳۲، ۹۱۹)، زیبق و سیماب^۱ (۷، ۱۸، ۲۲، ۵۱، ۱۱۷، ۲۱۵ و ...)، سرمه^۲ (۹۹، ۱۲۲، ۱۹۹، ۲۵۵، ۲۶۲ و ...)، شبه (۱۱۵، ۳۳۳، ۵۶۰)، طین (=گل) مختوم (۷۹۴)، (۲۱۵، ۲۴۳، ۸۵۶)، کحل‌الجواهر (۲۱۵، ۲۴۳، ۸۵۶)، گوگرد (۱۸۲، ۳۲۹، ۳۷۶، ۷۴۶، ۹۱۹)، یاقوت (۳۰، ۳۲، ۱۱۶، ۴۹۱).

داروهای ترکیبی: همانطور که از نام این داروها پیداست، از ترکیب چند داروی دیگر بدست می‌آیند. این‌سینا درباره علت استفاده از این داروها چنین میگوید: «هر بیماری از انواع بیماریها بویژه بیماریهای ترکیبی، یعنی بیشتر از یک بیماری در بدن انسان ممکن است بوسیله تک دارویی ساده معالجه نشود. چه اگر احیاناً چنین تک دارویی گیر بیاید چه بهتر و هیچ گاه چیزی را با آن ترکیب نمیکنیم و اما ممکن است نتوانیم داروی معینی را با اطمینان خاطر در معالجه دست‌نشان کنیم و چنین دارویی را بنامیم، یا اینکه چنین دارویی را میشناسیم، اما در علاج نوعی بیماری ترکیبی ضرورت دارد که این دارو را بیشتر تقویت کنیم و یا چیزی به آن بیفزاییم که نتیجه بر مرام و حسب‌الأصول باشد» (قانون در طب، ابن‌سینا: ص ۲۳۰). فراوانی این داروها در دیوان خاقانی ۱۰/۷ درصد است. نام این داروها و بسامد هر یک بیان میشود: پنج‌نوش (۴، ۸۲۵)، جوارش (۱۱۶، ۸۹۵)، حلوا (۷، ۷۷، ۳۴۸، ۸۲۶)، دواء‌المسک (=داروی مشک) (۹۲)، شاف (=داروی ترکیبی برای چشم) (۴۶)، گل انگبین (۹۳۴)، گلشکر (۶۶، ۹۲، ۲۷۰، ۳۰۹، ۳۷۶، ۴۵۶، ۶۰۶، ۸۹۵)، مزور (=آش و طعام مریض) (۳۳، ۷۷، ۳۹۷، ۴۰۶، ۸۷۴)، مفرح^۳ (۴، ۱۰، ۳۰، ۳۲، ۷۷، ۱۱۶ و ...)، نوشدارو (۲، ۸۲، ۱۴۶، ۴۱۰، ۷۹۵).

۱. بسامد این دو واژه با هم ۱۳ مورد است.

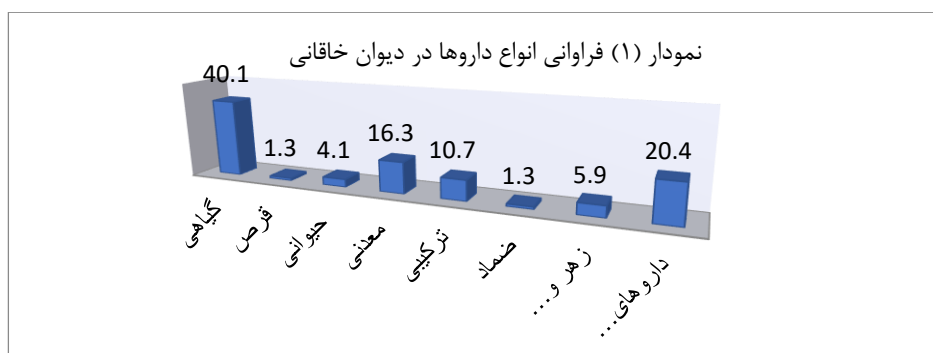
۲. بسامد این واژه ۱۵ مورد است.

۳. این داروی ترکیبی ۱۱ بار در دیوان خاقانی بکار رفته است.

ضمادها: ضماد یا مرهم «در اصطلاح اطباء، ادویه مطبوخ یا مایعی است که قوام آن غلیظ باشد و بر عضو گذارند» (هدایه‌المعلمین فی طب؛ نقل از لغتنامه، دهخدا: ذیل واژه). ضماد همچون قرصها از داروهای کم‌کاربرد بشمار می‌آیند که در دیوان شاعر فقط از مرهم بعنوان ضماد نام برده شده که فراوانی آن ۱/۳ درصد است و در صفحات ۲۷۶، ۲۸۴، ۶۳۰، ۷۵۲، ۸۵۳ دیده شده است.

زهر و پادزهر: زهر و پادزهر از دیگر انواع داروها هستند که با بسامد ۲۲ مورد معادل ۵/۹ درصد در دیوان خاقانی بکار رفته است. از این تعداد ۱۳ مورد زهر و ۹ مورد پادزهر است که در ذیل به هریک از انواع و تعداد آنها در دیوان این شاعر اشاره میشود: زهرها: آجل گیا (۳۰۹)، سم (۱۲۰)، زهرمار ارقم (۱۷۴)، زهرمار اصم (۸۳۱)، زهر افعی (۱۹۴، ۷۶۶)، زهر اژدها (۳۴)، زهر کژدم یا عقرب (۵۳، ۴۴۴، ۶۸۸، ۸۴۳)، گوشت سام ابرص (۱۴، ۵۵). پادزهرها: پازهر (پادزهر) (۲۸۴، ۳۰۴)، تریاق و تریاک (۱۲۰، ۲۶۳، ۳۷۳)، تریاق فاروق (۲۳۵)، تریاق چشم‌گوزن (۱۹، ۱۸۸، ۲۷۷).

داروها و مواد معطر: تعداد تقریباً قابل توجهی در دیوان داشته‌اند. تعداد این داروها ۷۶ مورد بوده که برابر است با ۲۰/۴ درصد و عبارتند از: عنبر^۱ (۴۳، ۴۷، ۸۱، ۱۰۳، ۱۹۲ و ...)، گالیه^۲ (۲۶، ۹۶، ۹۸، ۱۱۶، ۱۶۵، ۱۸۲ و ...)، گلاب^۳ (۴۳، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۵۷، ۲۹۵، ۳۷۵ و ...)، لخلخه (۱۹، ۱۱۱، ۳۳۲)، مثلث (=داروی معطر بوییدنی) (۵، ۴۲۴)، مشک^۴ (۶۸، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۱۰۶ و ...)، ند (=معجونی از عنبر+مشک+عود) (۱۴۲).



ابزار پزشکی

هر فنی برای پیشبرد کار و اهداف خود به ابزار و وسایل مختلفی نیاز دارد. در دانش پزشکی و حتی طب قدیم نیز این ابزار وجود دارد که در دیوان شاعران بدانها اشاره شده است. در دیوان خاقانی نیز با تعدادی از این ابزار برخورد میکنیم. این ابزار عبارتند از: حقه (۵۶۲)، سفوفدان (۷۹۳)، طشت (۱۱۷، ۷۶۲)، قاروره (۱۹۸، ۴۹۰)، کوزه فصاد (۳۶۵)، مبضع (۳۹۴)، مجمر (۱۱۷)، میل بواسیر (۵۴)، نشتر (۳۸۲)، هاون (۲۱۵، ۲۴۳، ۲۹۳، ۳۱۹، ۳۵۴، ۸۲۶). ابزار پزشکی معادل ۲/۲ درصد ابیات مرتبط با دانش پزشکی را به خود اختصاص داده است.

۱. ۱۸ بار در دیوان مشاهده شده است.

۲. گالیه ۱۲ بار در دیوان خاقانی بکار رفته است.

۳. این واژه ۱۲ بار در دیوان خاقانی مشاهده شده است.

۴. بسامد این واژه در دیوان خاقانی ۲۸ مورد است.

باورهای طبّی

باورها و عقاید انسانها در همهٔ دانشها رخنه میکند و تأثیر میگذارد. دانش پزشکی نیز از این امر مستثنی نیست و با باورهای گوناگونی راجع به این دانش در اشعار شاعران مواجه میشویم. در دیوان خاقانی این اشارات حدود ۱/۴ درصد اشعار را به خود اختصاص داده که به مهمترین آنها اشاره میکنیم: تأثیر ستارهٔ سهیل در درمان ناخن: شایع بود که نگریستن به ستاره سهیل سبب از بین رفتن ناخن و شفای چشم میشود (پنجنوش سلامت، ماهیار: ص ۳۱۶).

چشم سهیل و ناخن، ناخن آفتاب و نی کآتش و قند او کند با نی و باد یآوری
(دیوان خاقانی: ص ۴۲۰)

ارتباط برج اسد با بیماری جذام: برخی به بیماری عفونی جذام «داءالأسد» گفته‌اند و ابن‌سینا آن را بیماری شیر جنگل نامیده است (رک: قانون در طب، ابن‌سینا). در بیت زیر از خاقانی شیر فلک دچار بیماری جذام شده است. بر سر تیغت که ماه ازوست برص‌دار بر تن شیر فلک جذام برآمد (همان، ص ۱۴۶)

هلال ماه و آشفته‌حالی و دیوانگی: در باور عوام دیدن ماه هنگامی که بصورت هلال است، آشفته‌گی دیوانگان و آشفته‌حالی را بیشتر میکرد که خاقانی در بیت زیر به این باور اشاره کرده است:

دل دیوانه بشیید هر ماه چون نظر سوی هلالش برسد
(همان، ص ۵۹۸)

منمای مرا جمال ازیراک دیوانه هلال برنتابد
(همان، ص ۶۰۳)

درمان سپیدی چشم با لیسیدن: قدما باور داشتند که لیسیدن رگ سپیدی چشم با زبان، در درمان آن مؤثر است. چشم بادام من است از رگ خون پسته‌مثال به زبان آن رگ خون چند ربایید همه (همان، ص ۴۰۸)

کاربرد انواع تعویذها در درمان بیماری: حرز، تمیمه، هیکل و نشره از جمله تعویذهایی است که در دیوان خاقانی در ارتباط با درمان بیماریها بکار رفته است که برخی آویختنی، برخی به همراه داشتنی و برخی نیز در آب قرار داده میشد و آب آن خورده میشد.

از زعفران روی من و مشک زلف دوست تعویذ کرده‌ام، ز من آن دیو از این گریخت
(دیوان خاقانی: ص ۱۱۷)

الوداع ای کعبه کاینک درد هجران جانگزای شمه‌ای خاک مدینه حرز و درمان آمده
(همان، صص ۳۷۲)

هیکل و نشره و حرزی که اجل بازداشت هم به تعویذگر شعوده‌گر بازدهید
(همان، ص ۱۶۴)

به گفتهٔ ماهیار، خاقانی برای درمان و بهبود پسر بیمار خود راه‌های زیادی را امتحان نمود، از جمله: آوردن پزشک بر بالین وی، مراجعه به صاحبان کرامات، پناه بردن به دعاها، ذکرها و تعویذها، ولی فایده‌ای نبخشید و نتوانست فرزند را از مرگ نجات دهد (پنجنوش سلامت، ماهیار: ص ۲۸۹).

فلک چو عود صلیبش بر اختران بندد که صرعدار بوند اختران به وقت زوال
(دیوان خاقانی: ص ۸۹۷)

درمان تب با رشته تب و مهره تب:

از تب چو تار موی مرا رشته حیات و آن موی همچو رشته تب بر به صد گره
(همان، ص ۹۲۰)

گرچه شبها از سموم راه تبها برده‌ام از نسیم وصل مهره تب‌نشان آورده‌ام
(همان، ص ۲۵۶)

اعتقاد به تأثیر نشره آب در شفای بیمار: نشره یا آب دعا آن است که دعا را با آب زعفران بنویسند و با آب باران نیشانی بشویند و برای شفا بیاشامند (لغتنامه، دهخدا: ذیل واژه).

هان رفیقا نشره آبی یا زغال آبی بساز کز دل و چهره زغال و زعفران آورده‌ام
(همان، ص ۲۵۶)

البته در دیوان خاقانی با نشره امن نیز برخورد میکنیم که گویا دعا و تعویذی است برای امنیت و آرامش:
یک جهان در فزع از سال قران بینم و من نشره امن ز قرآن به خراسان یابم
(همان، ص ۲۹۷)

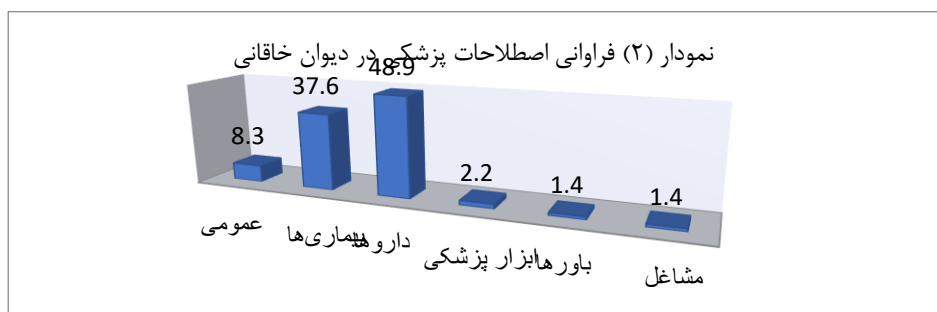
اعتقاد به مردم‌آزاری پری: پری در آیین زرتشتی، ادبیات مزدیسنايي، متون دینی فارسی میانه و حتی ادبیات پهلوی از موجودات اهریمنی بشمار می‌آید که دل‌باخته نران و پهلوانان میشد و گاه نوزادان را از مهد خود می‌ربود (پری، سرکراتی: ص ۱۳۵) و به آزار و اذیت مردم می‌پرداخت. در این بیت:

خم چو پری گرفته‌ای یافته صرع و کرده کف خطّ معزّمان شده برگ رز از مزعفری
(همان، ص ۴۳۰)

خاقانی علت صرع را به پری نسبت داده و در بیتی نیز به موضوع مردم‌آزاری پری اشاره کرده است (ر.ک: همان: ص ۶۰۵).

مشاغل

در دیوان خاقانی با مشاغلی مواجه میشویم که مرتبط با دانش پزشکی است. این مشاغل که حدود ۱/۴ درصد را به خود اختصاص داده‌اند عبارتند از: آسی (=طبیب) (۸۴۲)، پزشک (۸۷۳)، پیلهور (=دارو فروش) (۴۳۱)، طبیب (۱۶۳، ۱۶۴، ۷۹۳، ۹۱۱)، فصاد (۸۴۸)، کخال (۲۱۴، ۲۴۳)، نبض‌شناس (۴۵۹).



کاربرد هنری واژگان و اصطلاحات طبّی در دیوان خاقانی

بمنظور آگاهی از کاربردهای هنری واژگان و اصطلاحات طبّی در دیوان خاقانی، نمودار فراوانی آنها ترسیم گردید. این صنایع به دو بخش اصلی آرایه‌های بیانی و بدیعی تقسیم شد که آرایه‌های بدیعی، خود در دو دسته جداگانه آرایه‌های لفظی و معنوی بررسی و فراوانی هر یک از این صنایع مشخص شد.

آرایه‌های بیانی

تشبیه: پرکاربردترین تصویر شعری در قصاید خاقانی است. تصاویر ناب و زیبایی که شاعر از طریق تشبیه خلق نموده، نشان‌دهنده ابتکار و نگاه نو و ژرف وی به پدیده‌های پیرامونش است. تشبیهات طبّی معادل ۴۴/۸ درصد انواع آرایه‌ها را به خود اختصاص داده است. تشبیهات گوناگونی چون بلیغ، مرسل، مؤکّد، مجمل، تفضیلی، مضمّر، ملفوف، مرکّب، ضمنی و ... بعنوان مثال:

ژاله و صبح بهم یافته کافور و گلاب ز این و آن داروی هر دردسر آمیخته‌اند
(دیوان خاقانی: ص ۱۱۷)

در این نمونه ژاله و صبح (لف) به کافور و گلاب (نشر) مانند شده‌اند؛ بنابراین نوع تشبیه ملفوف است و یا در بیت زیر شاعر ضمن تشبیه مفروق، نضح را بر دوی عافیت‌آور را برتری داده و آن را نیکوتر دانسته است:

سرسامی است عالم و عدل است نضح او نضح از دوی عافیت‌آور نکوتر است
(همان، ص ۷۵)

گاه نیز با استفاده از اصطلاحات طبّی تشبیه مضمّر می‌آفریند که نمونه آن در بیت زیر دیده میشود که خاقانی نعت پیامبر (ص) را به نشرة درمان مانند میکند:

گر جگرش خسته شد از فزع حادثات نعت محمد بس است نشرة درمان او
(همان، ص ۳۶۳)

اغلب تشبیهات خاقانی بصورت بلیغ است خواه اضافی و خواه غیراضافی. بعنوان مثال تشبیه صبح به فصاد، خورشید به طشت خون و مه عید به نشتر در بیت زیر از نوع غیراضافی هستند:

فصاد بود صبح که قیفال شب گشاد خورشید طشت خون و مه عید نشترش
(همان، ص ۲۲۱)

و ششتر سخا، شکر آفرین و عسکر سخن اضافه تشبیهی بشمار می‌آیند:

از ششتر سخا چو طراز شرف دهی از عسکر سخن، شکر آفرین خوری
(همان، ص ۹۳۴)

با توجه به اینکه در تشبیهات ابیات مرتبط با دانش پزشکی بیشتر با امور حسّی (دارو، بیماری، ابزار و مشاغل) سروکار داریم، تشبیهات در این نوع ابیات اغلب حسّی به حسّی هستند. همانطور که از نمونه‌ها برمی‌آید، خاقانی بسیار ماهرانه با کمک عنصر خیال مضامین ساده و پیش‌پاافتاده را به معانی بلند و تازه مبدل میکند؛ از همین رو اغلب تشبیهات او شگفت‌آور و بی‌سابقه است و ویژگیهای خاص خود را دارد. یکی از ویژگیهای تشبیهات خاقانی تنوع مشبّه به است. هرچند یکی از طرفین تشبیه مربوط به دانش پزشکی است، ولی از داروها، بیماریها، درمانها، مشاغل و حتّی ابزار مرتبط با این دانش بعنوان مشبّه به استفاده میکند. بعنوان مثال در نمونه‌های بالا کافور، گلاب، ششتر، شکر جزو داروها هستند، کخّال و فصاد از مشاغل و طشت و نشتر از ابزار پزشکی بشمار می‌آیند. «درک دقیق مشبّه به، جهانبینی و شخصیت و محیط هنرمند را برای ما مشخص میکند» (بیان، شمیس: ص ۶۲) و با

بررسی مشبّه‌به در اشعار شاعران میتوان به اندیشه و روحیات آنان پی برد. تنوع مشبّه‌به‌های مربوط به دانش پزشکی در دیوان خاقانی بیانگر هنرمندی و اطلاع وسیع وی از این دانش است. در تشبیهات خاقانی با پوشیدگی وجه‌شبه مواجه میشویم که این امر یافتن ارتباط میان مشبه و مشبّه‌به را با دشواری روبرو میسازد. ازاینرو میتوان گفت تشبیهات غریب در دیوان خاقانی قابل توجه است. بعنوان مثال:

رفت قنینه در فواق از چه ز امتلای خون راست چو پشت نیشتر خون چکدش معصفری
(دیوان خاقانی: ص ۴۲۰)

گاه نیز از حروف در آفرینش تشبیهات استفاده میکند که نمونه آن را در بیت زیر میتوان مشاهده نمود.

چون هر دو میم مردم در خط کاتبان کور است هر دو مردمک چشم مردمی
(همان، ص ۹۲۹)

استعاره: استعاره در میان آرایه‌ها، مهمترین ابزار انتقال زبان از معنای حقیقی به معنای مجازی است. فراوانی استعاره‌های مرتبط با دانش طب معادل ۲۷/۳ درصد است که بعد از تشبیه دومین بسامد را دارد. استعارات در اشعار خاقانی متنوعند. استعاره مصرّحه و مکنیه بسیار پرکاربردند. گاهی شاعر چند تصویر استعاری را در یک بیت گنجانده است.

ندانی که تریاک چشم گوزنان ز دندان هیچ ازدهایی نیابی
(دیوان خاقانی: ص ۴۱۹)

در این بیت دو استعاره دیده میشود: (۱) تریاک چشم گوزن استعاره است از جوان‌مردی و مردمی؛ (۲) ازدها استعاره است از بی‌انصافان و نامردان.

در بیت زیر نیز چنگ استعاره مکنیه از پلاس‌پوش است. خشک‌رگی استعاره مصرّحه از تار چنگ، و ناله استعاره از آوای اوست:

چنگ برهنه‌فرق را پای پلاس‌پوش بین خشک‌رگی کشیده خون ناله‌کنان ز لاغری
(همان، ص ۴۲۷)

یا در بیت زیر طشت زر استعاره از رنگ زرد داخل گل نرگس، و تارک گلبن استعاره از شکوفه‌هاست:

نرگس بر سر گرفت طشت زر از بهر خون تارک گلبن گشاد نیشتر نوک خار
(همان، ص ۱۷۹)

بر صرع ستارگان دم صبح ماند نفس فسونگران را
(همان، ص ۳۱)

در بیت فوق، صرع ستارگان استعاره مکنیه است از نوع اضافی.

از نوآوریهای خاقانی این است که ضمن استفاده از اصطلاحات طبی، از حروف این واژه‌ها نیز در تصویرسازی بهره میگیرد. مثلاً در بیت زیر:

در چهارسوی فقر درآ تا ز راه ذوق دل را ز پنج نوش سلامت کنی
(همان، ص ۴)

پنج نوش اشاره دارد به نوش بودن هریک از پنج حرف واژه «سلامت»، و در جایی دیگر از اصطلاحات پزشکی هفت جوش و پنج نوش استعارات زیبا خلق میکند:

هفت جوش آینه‌ای دادت تو نیز پنج‌نوش از کلک صفرایی فرست
(همان، ص ۸۲۵)

آینه هفت جوش استعاره مصرحه از شعر جلال‌الدین خرازی است که خطاب به خاقانی سروده و پنج‌نوش استعاره از سروده خاقانی است در جواب وی. از دیگر ویژگی‌های استعارات خاقانی تنسیق استعاره‌هاست؛ یعنی چندین مستعاره را برای توصیف یک مستعار ذکر میکند. نمونه آن را در بیت زیر میتوان دید که شاعر خام‌خم‌پرورد، شاهد رخ‌زرد، عیسی هر درد و تریاق بیمار را در توصیف می‌آورده است:

آن خام‌خم‌پرورد کو، آن شاهد رخ‌زرد کو
آن عیسی هر درد کو، تریاق بیمار آمده
(همان، ص ۳۸۹)

کنایه: کنایه نیز از آرایه‌های پرکاربرد در ابیاتی است که در آن اصطلاحات پزشکی بکار رفته است. گاه در یک بیت، دو یا سه کنایه دیده میشود:

گر رحم کنی جانا جان بر سرت افشانم
ور زخم زنی، دل را بر خنجرت افشانم
(همان، ص ۶۳۷)

«جان بر سر کسی افشاندن» در مصراع اول به کنایه یعنی باختن جان و فدا کردن آن برای او؛ و «دل را بر خنجر افشاندن» در مصراع دوم به کنایه یعنی خون شدن دل.

آری به داغ و دردسرانند نامزد
آنک پلنگ در برص و شیر در جذام
(همان، ص ۳۰۳)

برص بودن پلنگ و جذام بودن شیر کنایه از فرزند خاقانی است که در بیماری جان سپرد (رک: نقد و شرح قصاید خاقانی، استعلامی: ج ۲/ ص ۹۴۱). خاقانی کنایه‌های مربوط به اصطلاحات پزشکی را در خدمت القای مفاهیم موردنظر خویش بکار برده است.

کنایه از موصوف (اسم): شیرزادگان امید کنایه از انسانهای نامید (۹۲)، مجذوم‌خواره افعی (افعی مجذوم‌خوار) کنایه است از نیزه شاه (۱۹۴).

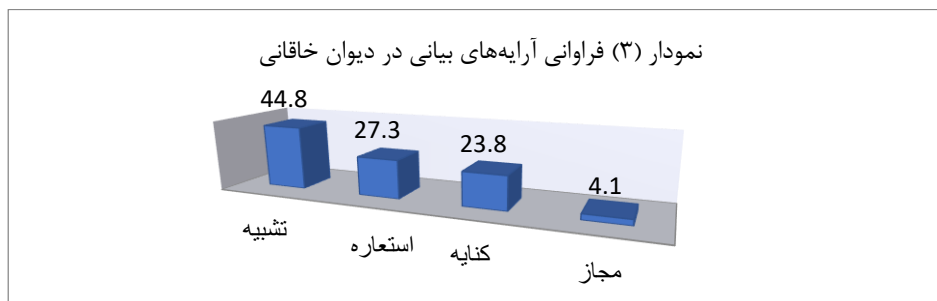
کنایه از صفت: پرنیان خو کنایه از خوشرفتار و نرمخو (۳۹۵)، صندل‌سای کنایه از آرامبخش (۲۵) و رهنشین کنایه از طیب دوره‌گرد (۱۱۵) است.

کنایه از فعل: آبله بر چشم داشتن کنایه از تار دیدن (۷۷۸)، زخم بر دل رسیدن کنایه از عمیق شدن گرفتاری (۸۷۶)، صرع‌دار بودن اختران کنایه از چشمک زدن آنها (۱۲۷) است. خاقانی از میان انواع کنایه اغلب کنایه فعل و اسم را بکار برده و بسامد کنایه صفت اندک است. بسامد فراوانی این آرایه معادل ۲۳/۸ درصد است.

مجاز: مجاز از عناصر بیانی و صور خیال در اشعار خاقانی است. البته شاعر چندان بهره‌ای از این صنعت نبرده و بیشتر تلاش خود را در تشبیه و استعاره و کنایه بکار گرفته است. مجازها نیز در دیوان او ویژگی و نوآوری خاصی ندارند. بسامد انواع مجاز مرتبط با دانش پزشکی در دیوان خاقانی ۴/۱ درصد است. بعنوان مثال در بیت:

صد ناف مشک دادمش از تبت ضمیر
گر یک بخور یافتم از مجمر سخاش
(همان، ص ۴۳۹)

بخور در مصراع دوم مجاز است از بوی بخشش. آبله رخ فلک مجازاً به معنی ستارگان آسمان (۴۲۷) و دم مجاز از سخن گفتن (۹۰۷)، ترنج مجاز از درخت ترنج (۴۲۹)، دردر کشیدن مجاز از تحمل سختی و رنج (۱۵۷)، ریحان مجاز از آرامش (۵۲۳) و زهره کوه مجاز از کیسه صفا (۶۴) است.



آرایه‌های بدیعی

الف- آرایه‌های لفظی

-تکرار

تکرار گل و انگبین بعنوان داروهای گیاهی:

هست انگبین ز گل چه کنی پس گل‌انگبین
چون نحل گل خورد نه ز نحل انگبین خوری
(همان، ص ۹۳۴)

تکرار «مرهم» که یکی از داروهاست و بعنوان ضماد استفاده میشود:

چندین مگوی مرهم و مرهم که هر که بود
در خستگی فروشد و مرهم نیافت کس
(همان، ص ۷۷۸)

تکرار واژه «چشم» که از اعضای بدن است. این آرایه لفظی ۶/۱ درصد از آرایه‌های بدیعی را به خود اختصاص داده است:

هر چشم که از چشم بدش چشم رسید
در چشمه چشم تو چنان چشم مباد
(همان، ص ۷۱۸)

جناس: جناس از آرایه‌های بدیع لفظی است که در اشعار خاقانی بسامد فراوانی دارد؛ زیرا خاقانی از شعرای سبک آذربایجانی است و از لحاظ ادبی اشعار این سبک از بدیع لفظی بویژه انواع جناس سود میبرد (سبک‌شناسی نظم، شمیس: ص ۱۰۷). خاقانی در ابیات مرتبط با اصطلاحات پزشکی انواع جناس تام، ناقص حرکتی و اختلافی، مضارع، خط، مرکب، مدتل، و اشتقاق را بکار برده و بدین ترتیب میان واژه‌ها هماهنگی و موسیقی ایجاد کرده است. بعنوان مثال در بیت زیر:

نداند طبع این حاشا ز حاشا
نداند فهم آن بهمن ز بهمن
(دیوان خاقانی: ص ۳۱۹)

جناس تام در حاشا و بهمن. حاشا: یکی نام گیاه است و دیگری صوت و قید است به معنی هرگز، و بهمن یکی نام گل است و دیگری ماه بهمن.

تیره‌چشمان روان ریگ روان را در زور
شاف شافی هم ز حصرم هم ز رمان دیده‌اند
(همان، ص ۹۲)

میان دو واژه شاف و شافی جناس مذیل وجود دارد. همچنین در بیت زیر بین فصد با قصد جناس خط وجود دارد و جناس میان فصاد و فصد، از نوع اشتقاق است.

فرمودم که حاضر گشت فصاد برای فصد قصد بیشتر کرد
(همان، ص ۵۷۸)

نمونه‌های دیگر آن عبارتند از: جناس خط میان شیر و شتر (۲۶۶)، جناس خط بین عرق و غرق، و جناس مکتف در تب و تاب (۵۷)، جناس اختلافی میان دو موضع و مبضع (۳۶۵)، جناس مذیل و زائد در دو واژه طلق و طل، و جناس مضارع و لاحق بین طل و حل (۳۸۴) و... بسامد کاربرد انواع جناس ۱۸/۱ درصد است.

تصدیر: تصدیر از انواع تکرار است که در آن کلمه یا کلماتی در جایگاه عروض، ابتدا یا عجز تکرار میشوند. مانند گل برنا، دندان و مطراً در نمونه‌های زیر:

چون گل بُرناست شخصم کز پی کشتن زید در شهیدی شاهی دارد گل برنای من
(همان، ص ۳۲۳)

صبح دندان چو مطراً کند از سوخته عود عودی خاک ز دندان مطراً بیند
(همان، ص ۹۵)

دیگر نمونه‌های آن عبارتند از: گلاب (۴۲۶)، گل (۹۳۴)، سوهان (۳۶۵) و... تصدیر ۲/۱ درصد آرایه‌های مربوط به دانش پزشکی را به خود اختصاص داده است.

ب- آرایه‌های معنوی

ایهام: ایهام و انواع آن یکی از عوامل شهرت خاقانی و یکی از دلایل دشواری و دیریابی اشعارش است. به نظر حیدری و فروغی پویا بخش قابل توجهی از تلاش خوانندگان صرف کشف ایهام بویژه ایهام تناسب و پی بردن به روابط دو پهلوی کلمات او میشود و اگر ایهام بخصوص ایهام تناسب را از اشعار خاقانی حذف کنیم ارزش شعری کم میشود (ر.ک: ایهام تناسب در قصاید خاقانی، حیدری و فروغی پویا: ص ۵۲). در ذیل به نمونه‌های از ایهام در دیوان خاقانی میپردازیم. در بیت زیر واژه عرق ایهام دارد: (۱) به معنای آبی که از تقطیر داروها بدست می‌آید؛ (۲) در روایات دینی است که گل محمدی یا گل سرخ، از عرق پیامبر اکرم (ص) بوجود آمده است.

گرچه همه دلکشند، از همه گل نغزتر کو عرق مصطفاست و این دگران خاک و آب
(همان، ص ۴۴)

ایهام تناسب از انواع پرکاربرد ایهام در دیوان خاقانی است. در این بیت:

شیرزدگان امید و سینه‌رنجوران عشق در زقومش هم دو پستان هم سپستان^۱ دیده‌اند
(همان، ص ۹۲)

کلمه سپستان ایهام تناسب دارد: (۱) از گیاهان دارویی؛ (۲) سه پستان که در این معنی با دو پستان تناسب دارد. از دیگر انواع ایهام در قصاید خاقانی ایهام تبادر است که نمونه آن در بیت زیر دیده میشود:

دردی که مرا هست به مرهم نفروشم و عافیتش صرفه دهی هم نفروشم
(همان، ص ۷۹۰)

^۱ میوه‌ای است با طبیعت معتدل و نافع برای سینه و نرم‌کننده حلق (ر.ک: اختیارات بدیعی، انصاری شیرازی: ص ۲۱۷).

ایهام تداعی و تبادر در کلمه صرفه دیده میشود که تداعی‌کننده کلمه صرفه است. انواع ایهام حدود ۱۲/۳ درصد از آرایه‌های بدیعی را به خود اختصاص داده است.

حسن تعلیل: از صنایع خیال‌انگیز در بدیع معنوی آن است که طی آن شاعر برای هر پدیده‌ای علتی می‌آورد و دلیلی ذکر میکند، کاری که خاقانی بنحو احسن از عهده آن برآمده است. اغلب حسن تعلیلها در دیوان او بر پایه تشبیه استوار است.

فلک چو عود صلیبش بر اختران بندد که صرعدار بوند اختران به گاه زوال
(دیوان خاقانی: ص ۸۹۷)

شاعر علت عودالصلیب بستن بر اختران را در این میدانند که آنها بهنگام زوال صرعدار میشوند.

در بیت زیر خاقانی علت زردرنگی خورشید را بیماری سرطان دانسته است:

ور به سرطان مانده تا معجون سرطانی کند زانکه معلول است و صفرا از رخان انگیخته
(همان، ص ۳۹۵)

و در این بیت:

ژاله بر آن شمع ریخت روغن طلق از هوا تا نرسد جمع را ز آتش لاله عذاب
(همان، ص ۱۳۲)

به این دلیل ژاله بر آن شمع از هوا روغن طلق ریخت تا از آتش لاله به جمع آسیب و عذاب نرسد.

در نمونه بسیار زیبای زیر، دلیل عرق خورشید را بیماری تب و لرز او میدانند.

چون به تبلرزه آفتاب در است عرق سرد چون سحاب کند
(همان، ص ۸۵۲)

بسامد کاربرد حسن تعلیل برابر با ۳/۵ درصد است.

تضاد: تضاد، صنعتی است که در موسیقی معنوی شعر تأثیر بسیار دارد. این آرایه ۸/۱ درصد ابیات مرتبط با دانش پزشکی را به خود اختصاص داده است. بعنوان مثال در بیت:

از کس و ناکس بئر خاقانی‌آسا کز جهان هیع صاحب‌درد را صاحب‌دوایی برنخواست
(همان، ص ۷۴۶)

غصه بی‌طالعی بین کز فلک درد هست و نیست تسکین ای دریغ
(همان، ص ۷۸۰)

با خستگی بساز که ما را ز روزگار زخم آمده است حاصل و مرهم نیامده است
(همان، ص ۷۴۵)

تشخیص: جان بخشیدن به پدیده‌ها و اشیای بیجان از خصایص اشعار خاقانی است تا آنجا که در دیوان وی خورشید به مرض صرع مبتلا میشود:

قرص خور مصروع از آن شد کز حمایل بازماند کان حمایل هم برای قرصه خور ساختند
(دیوان خاقانی: ص ۱۱۲)

یا خم باده همچون صرعیان آشفته‌سر و کف‌برآورده بر لب است:

خم صرعدار آشفته‌سر، کف بر لب آورده زبر و آن خیک مستسقی نگر، در سینه صفرا داشته
(همان، ص ۳۸۲)

او ستارگان را به انسانهای تباداری مانند کرده که فصدشان کرده‌اند:

رفت قنینه در فواق از چه؟ ز امتلای خون راست چو پشت نیشتر خون چکدش معصفری
(همان، ص ۴۲۰)

قنینه به انسانی تشبیه شده است که بخاطر پُری و زیادی خون به باد فواق و تشنج دچار شده است. در نمونه زیر نیز خاقانی باد نیسان را به انسانی مانند کرده که از طبابت سر درمی‌آورد و از زر، مرجان و مشک اذفر، مفرح میسازد.

مانا که باد نیسان داند طبیعی ایرا سازد مفرح از زر، مرجان و مشک اذفر
(همان، ص ۱۹۲)

دیگر نمونه‌های آن را در صفحات ۶۲، ۷۵، ۹۵، ۱۱۲، ۲۱۵، ۲۲۱، ۳۲۱، ۳۳۳، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۵۷، ۴۶۸ و ... میتوان مشاهده نمود. بسامد این آرایه ۱۲/۷ درصد است.

لفّ و نشر: لَفّ و نشر از آرایه‌های مورد توجه شاعر در بدیع معنوی بوده است. این آرایه همچون حسن تعلیل اغلب بر پایه تشبیه بنا شده و شاعر هر دو نوع آن را بکار گرفته است هم مرتّب و هم مشوّش. در نمونه‌های زیر: ترش و شیرین است قدح و مدح من با اهل عصر از عنب می پخته سازند و ز حصرم توتیا
(دیوان خاقانی: ص ۱۸)

بین قدح و مدح با عنب و حصرم لَفّ و نشر مشوّش وجود دارد.

آهوی مشک نیست چه چاره ز گاو و بز کز هر دو برگ عنبر و لادن برآورم
(همان، ص ۲۴۱)

در بیت بالا بین گاو با عنبر و بز با لادن لَفّ و نشر مرتّب وجود دارد:

دیگر نمونه‌های لَفّ و نشر مرتّب و مشوّش را در صفحات ۱۱۷، ۳۷۶، ۴۱۹، ۵۲۶ و ... میتوان دید که حدود ۳/۹ درصد از ابیات به این آرایه اختصاص یافته است.

مراعات نظیر: مراعات نظیر از آرایه‌های پرکاربرد دیوان خاقانی است که ۳۱/۸ درصد ابیات را به خود اختصاص داده است که اغلب تناسبها در مورد بیماری، درمان، و انواع داروها باشد.

مرا چشم‌درد است و گشنیز نیست تو را توتیا رایگان میدهد
(دیوان خاقانی: ص ۷۶۹)

که میان کلمات چشم‌درد و گشنیز و توتیا تناسب وجود دارد؛ زیرا هر سه از اصطلاحات طبی هستند.

در بیت زیر نیز در کلمات کوزه، فصاد، موضع، مبضع و شریان تناسب وجود دارد.

کوزه فصاد گشت سینه او بهر آنک موضع هر مبضع است بر سر شریان او
(همان، ص ۳۶۵)

در بیت زیر میان اصطلاحات طبی بیمار، سرطان، دارو و معجون سرطانی مراعات نظیر دیده میشود.

بیمار بوده جرم خور سرطانش داده زور و فر معجون سرطانی نگر داروی بیمار آمده
(همان، ص ۳۹۰)

همچنین در بیت زیر میان علت، نضح، درد و بیمار بحرانی مراعات نظیر وجود دارد:

دل اینجا علتی دارد که نضحی نیست دردش را هنوز آن روزنش بسته است او بیمار بحرانی
(همان، ص ۷۴۶)

اسلوب معادله: بسامد این آرایه ۱/۳ درصد بوده است.

از امل بیمار دل را هیچ نگشاید از آنک هرگز از گوگرد تنها کیمیایی برنخاست
(همان، ص ۷۴۶)

دل رمیده کی تواند ساخت با ساز وجود سگ‌گزیده کی تواند دید در آب روان
(همان، ص ۳۲۵)

پارادوکس (تناقض): در نمونه‌های زیر از دیوان خاقانی:

در بیت زیر میان بسته شدن راه زادوولد با خوردن کافور و قطران و زادن بوسیله همین دو ماده تناقض وجود دارد.
اگر کافور با قطران ره زادن فروبندد مرا کافور و قطران زاد داغ و درد پنهانی
(همان، ص ۴۱۵)

در بیت زیر نیز اصلع‌سر (=بی‌موی) با موی در پا ریخته تناقض دارد.

چنگی طبیب بوالهوس بگرفته زالی را مجس اصلع‌سری کش هر نفس موی است در پا ریخته
(همان، ص ۳۷۸)

این آرایه همچون اسلوب معادله ۱/۳ ابیات را به خود اختصاص داده است.

دیگر آرایه‌ها: دیگر آرایه‌ها عبارتند از: ذمّ شبیه به مدح، و قلب که در ابیات مورد بررسی تنها یک بار بکار رفته‌اند و بسامد مجموع آنها ۰/۷ درصد بوده است.

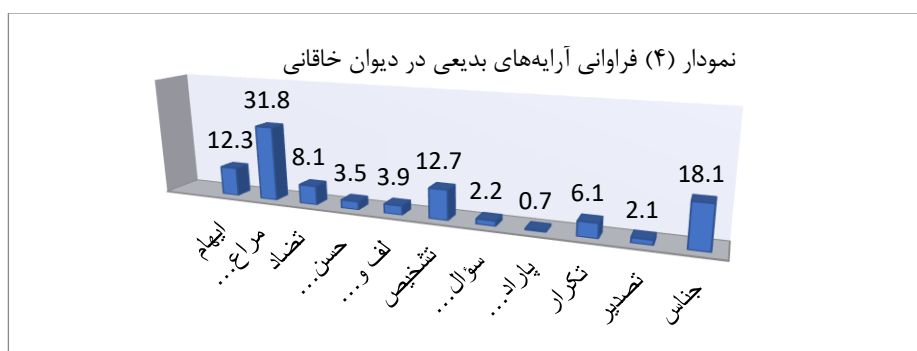
ذمّ شبیه به مدح: این آرایه در بیت زیر از خاقانی دیده شده است:

حاجت به جواب است و جُوم نیست ولکن دل هست بنفشه‌صفت و اشک چو عتاب
(دیوان خاقانی: ص ۴۱۵)

قلب: در این بیت قلب در کلمه دیده میشود که طی آن شاعر در مصراع اول «سوخته عود» و در مصراع دوم «عود سوخته» بکار میبرد و میگوید:

بسوز مجمر دین از بلال سوخته عود به عود سوخته دندان‌سپیدی اصحاب
(همان، ص ۵۱)

پس از بررسی آرایه‌های بدیع معنوی در ابیات مربوط به دانش پزشکی در دیوان خاقانی، نمودار فراوانی آن ترسیم میشود.



هدف خاقانی از کاربرد مفاهیم طبی

انعکاس اطلاعات دانش پزشکی خود به مخاطب: سبک آذربایجانی در قرن ششم هجری و در میان دو سبک خراسانی و عراقی، در ازان (آذربایجان) ویژگیهای خاص خود را داشت که یکی از مهمترین آنها انعکاس معلومات و دانش شاعر در اشعارشان است. شاعران این سبک علاقه وافری به کاربرد اصطلاحات دشوار و پیچیده و بازتاب معلومات خود داشتند. خاقانی در صدر شاعران این سبک جای دارد و بهمین دلیل معدن کن به نقل از حسن قاضی میگوید: «برای دریافت معنی شعر خاقانی باید عده‌ای منجم و ستاره‌شناس، موسیقیدان، شطرنج‌باز و نرددان و... گرد هم آیند تا معنای بیت خاقانی را روشن کنند» (بزم دیرینه عروس، معدن کن: ص ۱) و باید طبیب را به این افراد اضافه کرد؛ زیرا تعداد ابیاتی که در آن اصطلاحات دانش پزشکی بکار رفته فراوان است. او از انواع بیماریها، داروها، ابزار، مشاغل و ... پزشکی در مضمون‌سازی و تصویرسازی بهره میگیرد.

توصیف معشوق: خاقانی بسیار هنرمندانه اصطلاحات طبی را در وصف معشوق بخدمت میگیرد. او زلف معشوق را به بنفشه، و دهان و لب وی را به شکر مانند کرده است:

رنجورسینه‌ام لب و زلفش دوای من کاین درد را بنفشه به شکر نکوتر است
(همان، ص ۴۲۰)

در طب سنتی شربت بنفشه که ترکیبی از بنفشه و شکر است، در درمان درد سینه نافع است.

مدح ممدوح: در دیوان خاقانی با ابیاتی مواجه میشویم که طی آن شاعر به مدح و ستایش پرداخته و در این راه، دانشهای مختلف از جمله دانش پزشکی و لغات و اصطلاحات مرتبط با آن را بخدمت گرفته است.

شهنشپی که به صحرا نسیم انصافش ز زهر در دم افعی عیان کند تریاق
(همان، ص ۲۳۵)

نکوهش دشمنان و مخالفان ممدوح: خاقانی در برخی سروده‌های خود با استفاده از اصطلاحات دانش پزشکی به نکوهش دشمنان و مخالفان میپردازد. او در بیتی دشمنان خود را سرسامی معرفی کرده است:

سرسام جهل دارند این خرجبستان وز مطیخ مسیح نیاید جو ایشان
(همان، ص ۳۲۹)

و بیماری برص را به آنها نسبت داده است:

گرفته سرشان سرسام و جسمشان ابرص ز سام ابرص جانکاهتر به زهر جفا
(همان، ص ۱۴)

او بیماری جذام را به مخالفان ممدوح خود نسبت داده است.

مجذوم چون ترنج است، ابرص چو سیب دشمن کش گوهر حسامت معلول کرد جوهر
(همان، ص ۱۹۴)

و در جایی دیگر مخالفان خود را در مقابل طب آسمانی خویش، جاهل و بیمار دانسته و آنها را به داروی مسهل مانند کرده است.

مشتی جهلا که ناتمامند زین صحت فهم در سقامند
چون غاریقون کریه و منکر وز تَرُبد هم میان تهیتر
و آنگاه چو نقش تربد از کین قتال حسین دانش و دین
(دیوان خاقانی: ص ۲۱۴)

سد چو بیند این سخنان چو شیر و می چون سرکه گردد آن سخن شور کند او
سیر ارچه همطویلۀ سوسن بود به رنگ غماز رنگ وی بود آن بوی گند او
(همان، ص ۳۶۸)

نکوهش فلک: خاقانی گاه اصطلاحات طبی را در نکوهش فلک و زمانه بکار میبرد. بعنوان مثال در بیت زیر شاعر چرخ را مینکوهد؛ زیرا از خوان طعام او هیچ بهره‌ای به انسانها نمیرسد و چون در قدیم گشنیز در غذاها بعنوان چاشنی استفاده میشد، از آن در مضمون‌سازی بهره میبرد:

به چرخ گندناگون بر دو نان بینی ز یک خوشه که یک دیگ تو را گشنیز ناید زان دو تا نان
(دیوان خاقانی: ص ۲۱۲)

و در بیتی چرخ را اعور و احول معرفی میکند و میگوید:
همه روز اعور است چرخ ولیک احولست آن زمان که کینه‌ور است؟
(همان، ص ۶۳)

توصیف طبیعت: وصف طبیعت یکی از مضامین بسیار زیبا در ادبیات است که شاعران بسیاری در این زمینه شعر سروده‌اند. خاقانی نیز از این ویژگی مستثنی نبوده و وصف طبیعت را در خدمت اهداف خود بکار گرفته است و در این راه از علوم مختلفی همچون طب بهره برده است.

مانا که باد نیسان داند طبیعی ایرا مشک است و زرز و مرجان وین هر سه هست غمبیر
(همان، ص ۱۹۲)

در بیت زیر خاقانی به ابتدای فصل بهار و شکفتن غنچه‌ها در میان چمن اشاره میکند و میگوید:
باز، نونو، در رحمهای عروسان چمن نطفۀ روحانیان بین کز نهان افشاندند
(همان، ص ۱۶۰)

مرثیۀ فرزند: در بیت زیر خاقانی فرزند چون سَرُوش را که در خاک مدفون شده است به مردم‌گیاه مانند کرده و از جنگاوران دلیر و بی‌باک (=سواران ثغر) خواسته که در حصن او را بازکنند و از خاک بیرون آورند.

سرو چون مهرگیا، زیر زمین حصن گرفت در حصنش به سواران نَغَر بگشاید
(همان، ص ۲۴)

و در بیتی دیگر در غم ازدست رفتن فرزند ناله سر میدهد که:
عمر من اندر غمش رفت چو ناخن به سر ماندم ناخن کبود از تب هجران او
(همان)

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان میدهد خاقانی در دانش طب و پزشکی اطلاعات وسیعی داشته و آنها را در اهداف هنری و ادبی خود بکار برده است. همچنین بکارگیری هنرمندانه و مبتکرانه این دانش، درک و فهم اشعارش را برای مخاطبانی که از این دانش بی‌اطلاعت دشوار و دیرپای ساخته و بدون اطلاع از این دانش درک اشعارش امکانپذیر نخواهد بود. در دیوان خاقانی از انواع اطلاعات پزشکی اعم از انواع بیماریها، داروها و درمانها، لوازم پزشکی، مشاغل و حتی باورهای مرتبط با این رشته سخن بمیان آمده است که بسامد آنها بدین ترتیب است: انواع داروها ۴۸/۹ درصد، داروهای گیاهی ۴۰/۱ درصد، بیماریها ۳۷/۶ درصد، اصطلاحات عمومی ۸/۳ درصد، ابزار پزشکی ۲/۲ درصد،

باورها و مشاغل هر کدام ۱/۴ درصد. البته از بسامد انواع داروها، داروهای معطر ۲۰/۴ درصد، داروهای معدنی ۱۶/۳ درصد، داروهای ترکیبی ۱۰/۷ درصد، زهر و پادزهر ۵/۹ درصد، داروهای حیوانی ۴/۱ درصد، ضمادها ۱/۳ درصد و قرصها ۱/۱ درصد را به خود اختصاص داده است.

همچنین خاقانی از انواع آرایه‌های بیانی و بدیعی در هنری ساختن تصاویر بهره برده است. از میان ابیات مربوط به دانش پزشکی ۶۲/۱ درصد آرایه بیانی و ۳۷/۹ درصد آرایه بدیعی یافت شد که از این تعداد آرایه‌های بدیعی، ۹/۱ درصد مربوط به بدیع لفظی و ۲۸/۸ درصد مربوط به بدیع معنوی است. فراوانی انواع آرایه‌های بیانی به این ترتیب است: تشبیه ۴۴/۸ درصد، استعاره ۲۷/۳ درصد، کنایه ۲۳/۸ درصد و مجاز ۴/۱ درصد. بسامدها گویای این است که تشبیه پرکاربردترین تصویر شعری در قصاید خاقانی است.

فراوانی انواع آرایه‌های بدیع لفظی نیز به ترتیب بسامد چنین است: جناس ۱۸/۱ درصد، تکرار ۶/۱ درصد و تصدیق ۲/۱ درصد. این فراوانی در بخش بدیع معنوی به ترتیب فراوانی اینگونه است: مراعات نظیر ۳۱/۸ درصد، تشخیص ۱۲/۷ درصد، ایهام ۱۲/۳ درصد، تضاد ۸/۱ درصد، لف و نشر ۳/۹ درصد، حسن تعلیل ۳/۵ درصد، اسلوب معادله ۱/۱ درصد، پارادوکس ۰/۷ درصد و دیگر آرایه‌ها ۰/۷ درصد. همانطور که فراوانیها نشان میدهد در بدیع لفظی جناس و در بدیع معنوی مراعات نظیر بیشترین کاربرد را داشته است. خاقانی از بکار بردن این اصطلاحات اهداف گوناگونی را دنبال کرده است که انعکاس اطلاعات دانش پزشکی خود به مخاطب، توصیف معشوق، مدح ممدوح، نکوهش دشمنان و مخالفان ممدوح، نکوهش فلک، توصیف طبیعت و مرثیه فرزند از مهمترین اهداف وی بشمار می‌آید.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر استخراج شده است. سرکار خانم دکتر رقیه رضایی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سهیلا رجایی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر حسین پارسایی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله، حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Akhavaini, A. (1965). *Hedayeh Al-Mutallemin Fi Teb*. by Jalal Matini, Mashhad: Mashhad University, p.370.
- Ansari Shirazi, A. H. (1992). *Ekhtiariat Badie*. edited by Mohammad Taghi Mir. Tehran: Razi Pharmaceutical Company, p.217.
- Dekhoda, A. A. (1993). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran.
- Este'lami, M. (2008). Critique and explanation of Khaghani's poems based on the lectures of Master Badi ol-Zaman Forouzanfar. Tehran: Zavvar, p.941.
- Heidari, A & Foroughi Pouya, A. (2011). Confusion of Proportion in the Poems of Khaghani. *Bustan Adab Magazine*, 3(4), pp. 45-66.
- Hosseini, M. M. (1994). The gift of the wise believer or the gift of the believers. Introduction by Mahmoud Najmabadi. Tehran: Mostafavi Bookstore, p.2.
- Ibn Sina. (1991). translated by Abdolrahman Sharafkandi Hojar. Tehran: Soroush, p.230.
- Kendalli Harrischi, Gh. (1995). *Khaghani Shervani Life, Time and Environment*. translated by Mir Hedayat Hesari. Tehran: University Publishing Center, p.158, 164.
- Khaghani Shervani. A. B. (1989). *Divan*. by Zia-ud-Din Sajjadi. Tehran: Zavvar.
- Khalaf Tabrizi, M. (1963). *Borhan Ghat'e'*, by Mohammad Moein. Tehran: Ibn Sina.
- Khodadadi, J. (2009). The key to entering ancient medicine. Tehran: Shahr Publishing Institute, p.25.
- Ma'dankan, M. (2015). The ancient feast of the bride. Tehran: Markaz, p.1.
- Mahyar, A. (2005). *Panjnoosh Salamat*. Karaj: Jam Gol, p.316, 289.
- Nafisi (Nazim al-Atab), A. A. (1938). *Medical Letter*. Tehran: Khayyam Bookstore.
- Nafisi (Nazim al-Atab), A. A. (1964). *Farhang Nafisi*. Tehran: Khayyam Bookstore.
- Rampuri, Gh. M. (1986). *Ghias al-Laghat*. by Mohammad DabirSiyaghi. Tehran: Ma'aref.
- Sarkarati, B. (1971). *Pari; Research in the Margin of Comparative Mythology*. *Journal of Tabriz Faculty of Literature and Humanities*, 23(1-4), pp. 1-32.
- Shamisa, S. (1991). *Bayan*. Tehran: Ferdows, p.62.
- Shamisa, Sirius. (2003). *Stylistics of order*. Tehran: Ferdows, p.107.
- Tahanavi, M. A. (1997). *Discoverer of the Terms of Arts and Sciences*. translated by George Zinati and Abdullah Khaledi. Tehran: Sepas.
- Tajbakhsh, A. (2002). *History of civilization and culture in Iran from Islam to Safavid*. Shiraz: Navid, p.93.

فهرست منابع فارسی

- اختیارات بدیعی، انصاری شیرازی، علی‌بن‌حسین، (۱۳۷۱)، تصحیح محمدتقی میر، تهران: شرکت دارویی پخش رازی. ایهام تناسب در قصاید خاقانی، حیدری، علی و فروغی پویا، اعظم، (۱۳۹۰)، *مجله بستان ادب دانشگاه شیراز* (۴) ۳، صص ۴۵-۶۶.
- برهان قاطع، خلف تبریزی، محمدحسین بن خلف، (۱۳۴۲)، به اهتمام محمد معین، تهران: ابن‌سینا. بزم دیرینه عروس، معدن‌کن، معصومه، (۱۳۹۴)، تهران: نشر مرکز.
- بیان، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، تهران: فردوس.
- پری؛ تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی، سرکاراتی، بهمن، (۱۳۵۰)، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز* (۱)-۴) ۲۳، صص ۱-۳۲.
- پزشکی‌نامه، نفیسی (ناظم‌الاطبا)، علی‌اکبر، (۱۳۱۷)، تهران: کتابفروشی خیام.

- پنجنوش سلامت، ماهیار، عباس، (۱۳۸۴)، کرج: جام گل.
- تاریخ تمدن و فرهنگ در ایران از اسلام تا صفویه، تاجبخش، احمد، (۱۳۸۱)، شیراز: نوید.
- تحفه حکیم مؤمن یا تحفه المؤمنین، حسینی، محمد مؤمن، (۱۳۷۳)، مقدمه محمود نجم‌آبادی، تهران: کتابفروشی مصطفوی.
- خاقانی شروانی حیات، زمان و محیط او، کندلی هریسچی، غفار، (۱۳۷۴)، ترجمه میرهدایت حصاری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دیوان، خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، (۱۳۶۸)، به اهتمام ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- سبک‌شناسی نظم، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲)، تهران: فردوس.
- غیاث‌اللغات، رامپوری، غیاث‌الدین محمد، (۱۳۶۵)، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: معرفت.
- فرهنگ نفیسی، نفیسی (ناظم‌الأطبا)، علی‌اکبر، (۱۳۴۳)، تهران: کتابفروشی خیام.
- قانون در طب، ابن سینا، (۱۳۷۰)، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی هه‌زار، تهران: سروش.
- کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تهانوی، محمدعلی‌بن‌علی، (۱۳۷۶)، ترجمه جورج زیناتی و عبدالله خالدی، تهران: سپاس.
- کلید ورود به طب قدیم، خدادادی، جمشید، (۱۳۸۸)، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نقد و شرح قصاید خاقانی بر اساس تقریرات استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، استعلامی، محمد، (۱۳۸۷)، تهران: زوار.
- هدایه المتعلمین فی طب، اخوینی، ابوبکر، (۱۳۴۴)، به اهتمام جلال متینی، مشهد: دانشگاه مشهد.

معرفی نویسندگان

سهیلا راجایی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

(Email: soheila.rajaei.2021@gmail.com)

رقیه رضایی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

(Email: dr.rezaei4056@gmail.com : نویسنده مسئول)

حسین پارسایی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

(Email: h.parsaei@Qaemiau.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Soheila Rajaei: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: soheila.rajaei.2021@gmail.com)

Roghayyeh Rezaei: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: dr.rezaei4056@gmail.com : Responsible author)

Hossein Parsai: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: h.parsaei@Qaemiau.ac.ir)